

جنوب شرقی است و بخشی از یک سیستم ارتباطی را تشکیل می‌دهد که دو دریای مدیترانه و سرخ و دو اقیانوس هند و اطلس را به هم متصل می‌کند. هم‌چنین تنگه هرمز یکی از گذرگاه‌های استراتژیک جهان به شمار می‌آید که خلیج فارس را از راه دریای عمان، اقیانوس هند و خطوط کشتی‌رانی بین‌المللی به دریای آزاد پیوند می‌دهد. روزانه بیش از چهل درصد نفت مصرفی جهان از این تنگه عبور می‌کند. این آبراه نقش بسیار حساسی در توازن اقتصادی، مالی و تجاری همه‌ی کشورهای صنعتی و کشورهای ساحلی منطقه ایفاء می‌کند و هر رخدادی که سلامت و امنیت دریانوردی را در این ناحیه تهدید نماید، به همان نسبت منافع این کشورها را در معرض خطر قرار خواهد داد. (متقی، ۱۳۹۳، ص. ۷۸-۷۲) در حوزه‌ی خلیج فارس عوامل ژئوپلیتیکی با عوامل اقتصادی درهم‌تنیده هستند؛ و برخی از مهم‌ترین مزیت‌های این منطقه عبارت است از: منابع نفتی فراوان، هزینه تولید پایین، کیفیت بالای نفت خام خلیج فارس، توان تولید زیاد چاه‌های نفت و سهولت حمل‌ونقل. از دید این پژوهش، اولویت دادن به رویکرد اقتصادی و همگرایان در سیاست خارجی کشورهای منطقه (به‌جای رویکرد امنیتی) تنها راهی است که باعث خواهد شد ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خلیج فارس در خدمت توسعه همه‌ی کشورهای این منطقه قرار گیرد.

۳-۳. سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات نفت؛ نقطه مشترک همکاری

وجود بیشترین ذخایر نفت جهان در خلیج فارس ثروت زیادی را برای توسعه‌ی کشورهای این منطقه فراهم آورده است. بر اساس برآوردها حدود ۶۴ درصد کل ذخایر شناخته‌شده نفت جهان در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس قرار دارد. (جدول ۲ و نمودار ۴) کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس در حال حاضر در سایه‌ی اختلافات درون منطقه‌ای، دخالت قدرت‌های خارجی و فقدان استقلال در تصمیم‌گیری، هنوز نتوانسته‌اند از ظرفیت مشترک انرژی نفت استفاده کنند. درحالی‌که این کشورها به‌جای رقابت با یکدیگر در زمینه‌ی تولید و فروش نفت، می‌توانند با اقدامات مشترک در زمینه‌ی تولید، سرمایه‌گذاری و صادرات و بازاریابی نفت به‌طور متحد عمل کنند و قدرت چانه‌زنی خود را در برابر کشورهای